

شهر آرا محللات

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از SHAHRRARANEWS.IR

هم زمان بانزدیک شدن به افتتاح زائر سرایی در محله پایین خیابان

باستان شناسان با آغاز احیای مغازه هادر قدیمی ترین بازار مشهد کشف کردند

پیر خاندان نظام الملکی های طوسی در سن نودسالگی درگذشت

ساخت زائر سرای ارزان قیمت جدید آغاز شد

یک بنای دیگر به زائر سراهای ارزان قیمت اطراف حرم مطهر با آغاز ساخت زائر سرای استان خراسان شمالی افزوده شد تا شمار این زائر سراهای به ۴ برسد. زائر سرایی که در یکی از فرعی های خیابان وحدت احداث می شود...

کف اصلی بازار تاریخی فرش، ۴ متر زیر زمین

خبر کوتاه و خوش حال کننده است، اینکه سرانجام بعد از سال ها گمانه زنی های مختلف مبنی بر تاریخی بازار قدیمی مشهد، مستندات آن از زیر زمین بیرون کشیده شد که خبر از کشف کف اصلی این بازار با تاریخ احتمالی دوره تیموری در ۴ متری عمق زمین می دهد...

رفتن آخرین بزرگ

شیخ حسین نظام الملکی، پیر خاندان نظام الملکی های طوسی؛ که بیماری اش بیش از گذشته پیشرفت کرده بود، سه شنبه پسرش جواد نظام الملکی پشت گوشی تلفن خبر فوتش را داد و گفت: بزرگ خاندان نظام الملکی ها هم رفت...



به یاد «حاج امین زرینه» فرش فروش مشهدی؛ که یکی از معابر اصلی شهر به نام اوست

داستان چهارراه «زرینه»



به یاد آیتا... آقازاده

حرف اول



رضا سلیمان نوری
سردبیر شهرآرامحله

یکی از مظلوم ترین افراد مرتبط با واقعه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ ش «آیتا... میرزا محمد خراسانی» ملقب به آقازاده، فرزند روحانی بزرگ آخوند خراسانی

است. مردی که در سال ۱۲۵۴ ش در نجف به دنیا آمد و زیر نظر پدر دروس حوزوی را گذراند تا به درجه اجتهاد رسید. آیتا... آقازاده پس از تکمیل مراتب علمی و اخلاقی به دستور پدر بزرگوارش عازم خراسان شد و در مشهد اقامت گزید. ایشان ضمن اینکه امامت جماعت مسجد گوهرشاد بوده، به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و ریاست حوزه علمیه مشهد را بر عهده داشت. ایشان در جریان جنبش مشروطیت مانند پدرش آیتا... العظمی محمدکاظم آخوند خراسانی به دفاع از مشروطیت و انتقاد از استبداد پرداخت. وی پس از روی کار آمدن پهلوی اول نیز از جمله منتقدان سیاست دین زدایی بود و در جریان حرکت مردمی مسجد گوهرشاد نیز حضور چشمگیری داشت.

بنابه اسناد موجود و شرح گفت و گوی آیتا... آقازاده با شیخ پهلوی در واقعه مسجد گوهرشاد او با شیوه مخالفت ها در مسجد گوهرشاد موافق نبود و آن راه درست بیان خواسته ها نمی دانست و به همین دلیل دخالتی در ماجرای مسجد نداشت.

گزارش های نظمی و استانداری خراسان نیز همگی دلالت بر دخالت نکردن او در این حوادث داشت، اما نوایی که گویا در دوره اول خدمت خود در ریاست نظمی مشهد اختلافاتی با وی داشت، در صدد پرونده سازی برای او برآمد. وی به شیوه خود از اطرافیان مرحوم آقازاده اعتراف گرفت که آقازاده در تحریک مسجیدی ها نقش داشته است.

آیتا... آقازاده در ۱۷ آبان ۱۳۱۴ دستگیر و به یزد تبعید شد.

وی ۳ ماه در یزد زیر نظر بود و بعد از ۳ ماه به مشهد بازگردانده شد و ۱۲ روز هم در زندان شهر بانی مشهد بود. ۲۰ روز هم در زندان قصر تهران بود و سپس در منزل فرزندش جعفر نجفی زیر نظر قرار گرفت.

دادگاه از ترس اعتراض گسترده علما ایشان را به ۷ ماه زندان محکوم کرد، اما پهلوی اول به حکم اعتراض کرد و خواستار اعدام شد. پس از آن دادگاه نظامی دوم حکم اعدام داد، حکمی که واکنش علمای عبات را به دنبال داشت و پهلوی اول مجبور شد حکم اعدام را به اقامت اجباری در تهران کاهش دهد.

آیتا... میرزا محمد آقازاده تا پایان عمر در تهران از سوی حکومت وقت زیر نظر بود تا اینکه در ۲۶ دی ۱۳۱۶ ش با تزریق آمپولی مشکوک در شصت و دو سالگی شهادت گونه به دیار باقی شتافت.

رژیم دیکتاتور پهلوی از ترس قیام احتمالی مردم با هر نوع برگزاری مراسم ختم آقازاده مخالفت کرد تا اینکه پس از اخراج پهلوی اول از ایران در شهریور ۱۳۲۰ مجلس ختم آن عالم ربانی در مسجد گوهرشاد برگزار شد. یادش گرامی. ■

پیر خاندان نظام الملکی های طوسی در سن نودسالگی در گذشت

رفتن آخرین بزرگ



نوغان، هیت حاج علی عشقی، تکیه کرمانی ها و... هیت های آن زمان راه ورسم خودش را داشت. خیلی ها از من می خواستند که هیتشان را به بازار ببرم و برایشان دم بگیرم. حتی شب های جمعه پشت پنجره فولاد هم دعای توسل می خواندم. مناسبت ها که می رسید، به عنوان کمکی به هیت های مختلف می رفتم. خیلی شلوغ می شد. هیت های نانبی ها، حاجی ملازاده، کرمانی ها، حجارها، حاج حسن اردکانی، درفشان، حاج حسین آبد که از جوانمردهای بزرگ آن زمان در نوغان بود، از هیت های دیگر شلغی تر بود. در ایام عادی زیر ۱۰۰ نفر به هیت نمی آمدند.»

● خیابان کشی زورکی

شیخ حسین نظام الملکی در همان مصاحبه نقشه بزرگی جلو ما گذاشت و از طرح های خواجه نظام الملک طوسی گفت که اصالتا اخلمدی بود، اما دست به توسعه در مشهد زد. یکی از آن ها احداث چهارباغ در محدوده خیابان شیرازی فعلی بود. چهارباغی که امروز تعدادی از خاندان نظام الملکی ها و خود او ساکن خانه هایی در همان زمین ها هستند: «قبل از اسدی هم خیلی ها این زمین ها را به تاراج برده اند، اما پدر مرحوم از اسدی زیاد می گفت. گویا در سال ۱۳۰۶ اسدی برای اینکه جلورضا شاه سر بلند شود و طرح خیابان کشی را اجرا کند، پدرم را همراه با ۲ پسر عمی که از بزرگان نظام الملکی ها به حساب می آمدند، دستگیر کرد و در داخل طویله ای که داخل

است، مطرح کند. حرف هایی که با تیرهای «بی نام و نشان مشهد» و «آزادی زندانی ها با نوحه» منتشر شد و امروز خلاصه ای از آن ها در این شماره هم زمان با فوتش دوباره منتشر می شود.

● پسر مؤذن مسجد گوهرشاد

شیخ حسین نظام الملکی متولد ۱۳۰۸ و بزرگ شده کوچه گنبد خستی بود. پدرش ملا محمد رضا از کشیک های حرم مطهر و مسجد گوهرشاد و البته مؤذن بود. خودش می گفت: «اولین باری که صدای پدرم را شنیدم چهار یا پنج ساله بودم، چون خانه ما آن زمان دیوار به دیوار مسجد گوهرشاد بود، هنگام اذان صدای پدرم در خانه خودمان هم می پیچید.»

● مداحی در ۴۰ هیئت بزرگ

گوش هایش با صدا و نوای اذان و مداحی آشنا بود. چهارده ساله که بود، همراه با یکی از دوستانش حاج محمود اکبرزاده که بعد ها مداح مشهوری شد، اولین نوحه هایشان را از روی دفتر یک مداح قدیمی آن زمان نوشتند. دفتری که یک کبک شبه ۵ تومانی اجاره کرده بودند و تمام شب را نوحه نوشتند. سنتی می خواند، مؤسس هیئت های مذهبی زیادی بود و از آن روزها چنین نقل می کرد: «در پیش از ۴۰ هیئت بزرگ آن زمان مداحی کردم، هیئت هایی چون خمسه طیبیه، کودکان قاسمی، جوادالانمه (ع) نوغان، بنی زهر (س)، علی اکبری ها، آل طاهای

خیلی وقت بود که صدایش دیگر توان بیرون آمدن از حنجره را نداشت تا هم مثل سال های جوانی که در

یک روز برای چندین هیئت مداحی می کرد، برایمان سنتی بخواند و هم از داستان های شیرین خواجه نظام الملک طوسی در دوره سلجوقیان بگوید و نسبتش با این دانشمندان را روی کاغذ نقاشی وار بکشد و سند نشانمان دهد. همه این ها از این نشان داشت که شیخ حسین نظام الملکی، پیر خاندان نظام الملکی های طوسی موقعیت دشواری دارد و بیماری اش بیش از گذشته پیشرفت کرده است. حال بعد از گذشت چند هفته که خبر بستری شدنش را در بیمارستان شنیدم، سه شنبه پسر کوچکش (جواد نظام الملکی) که از قرار معلوم رئیس شورای اجتماعی محله بالاخیابان هم هست، پشت گوشی تلفن خبر فوتش را داد و گفت: بزرگ خاندان نظام الملکی ها هم رفت. بزرگی که یک سال قبل با انواع سندهای مختلف پای مصاحبه با شهرآرامحله ثامن نشست تا هم از نسبت این خاندان با خواجه نظام الملک طوسی، وزیر دوره سلجوقیان، بگوید، هم از پیش کسوتی اش در مداحی و نوحه خوانی حرف به میان آورد و هم گلایه هایش را از وقتی که خواجه برایشان به جا گذاشته و این روزها هزار باره شده



«
شیخ حسین
نظام الملکی
متولد ۱۳۰۸ بود
که از ۱۴ سالگی
تا ۴ سال پیش
مداحی می کرد
»

از نگاه دوربین

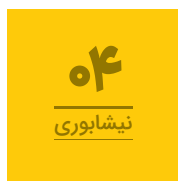
شهرآرا

خدمت شبانه روزی نارنجی پوش ها

درآمده اند. البته در کنار همه این ها شهرداری منطقه ثامن تعداد زیادی از پیاده روها به ویژه در نزدیکی حرم مطهر را با چتایی مفروش کرد. همچنین حدود یک تن نمک، ۳۳ تن شن و ۱۰۰۰ کیسه شن مجزا نیز برای روزهای برفی تأمین شده بود و در سطوح شیب دار اطراف حرم قرار گرفت. در زیرگذرها نیز مخازن شن و نمک ۵۰ کیلوگرمی جانمایی شده است. گفتنی است در مجموع خودروهای مینی لودر، خاور، برفروب سنگین، نیسان، دستگاه برق دیزل ژنراتور، گریدر، پمپ کفکش، پمپ لجن کش، بنز دهن و برفروب دستی نیمه مکانیزه آماده شده است تا مشکلی در تردد زائران و مجاوران بارگاه منور رضوی ایجاد نشود. ■

هم زمان با بارش نخستین برف زمستانی در مشهد نارنجی پوش ها به میدان آمدند و معابر و پیاده روها را چنان برف رویی کردند که مشکلی برای مردم پیش نیامد.

به گزارش شهرآرامحله، این پاکبان ها همچنین سبک سازی شاخه درختان بوستان ها و تعدادی از معابر برای جلوگیری از شکستن و سقوط را نیز انجام دادند. آن طور که شهرداری منطقه ثامن اعلام کرده است، برای این روزهای برفی ۳۶ خودرو همراه با ۵۰ نیرو به حالت آماده باش شبانه روزی



این روزها که در برخی از خیابان‌های اطراف حرم مطهر همچون آیت... به جهت ترافیک سنگین شده است، خیر از اجرای هم‌زمان شبکه فاضلاب، کانال جمع‌آوری آب‌های سطحی و پیاده‌رو سازی دارد. خبری که صفری، سرپرست معاونت فنی و عمران شهرداری منطقه نهم، در توضیح آن می‌گوید: هم‌اکنون احداث ۱۵۰۰ متر مکعب از شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی در دست

اجراست که محدوده‌ای شامل محدوده بازار رضا (ع)، ضلع غربی خیابان طبرسی، ضلع شرقی خیابان آیت... به جهت ۲ سمت چهارراه زرنه تا بولوار شهید کامیاب را شامل می‌شود. به گفته وی ۸۵۰۰ متر مکعب دیگر برای کامل شدن این شبکه در برنامه بلندمدت شهرداری منطقه نهم قرار دارد که با پایان آن دیگر شاهد آب‌گرفتگی در سطح معابر اطراف حرم مطهر نخواهیم بود.

عکس: نمای از عملیات بی‌گرددی برای کشف کف اصلی بازار قدیم فرش مشهد



باستان‌شناسان با آغاز احیای مغازه‌ها در قدیمی‌ترین بازار مشهد کشف کردند

کف اصلی بازار تاریخی فرش، ۴ متر زیر زمین

شوشتری

دادند که بدون هیچ اثری بوده‌اند. این استاد باستان‌شناسی با تکیه بر یافته‌های خودش و گرو هوش تأکید می‌کند: همه این‌ها نشان می‌دهد که کف اصلی بازار قدیم مشهد یعنی بازار قدیمی که امروزه به فرش در شهر شناخته می‌شود در عمق ۴ متری زمین قرار دارد، آن هم با کفی که کامل سنگ‌فرش بوده است، به نحوی که گویا بازار فعلی در دوره‌های مختلف بالای بازار اولیه شکل گرفته است.

● مرمت و احیا باید بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی باشد

نکته دیگری که این استاد باستان‌شناسی بیان می‌کند، کم‌توجهی به عملیات باستان‌شناسی در مشهد است. آن‌طور که او می‌گوید، متأسفانه در مشهد که تاریخ بلند بالایی دارد، پروژه‌های مختلف انجام می‌شود، بدون اینکه تحقیقات باستان‌شناسی صورت بگیرد. حال آنکه باید این عملیات در این شهر هم همچون سایر شهرهای تاریخی ایران مهم انگاشته شود. او با ابراز خوش‌حالی از باز شدن پای باستان‌شناسان به بازار قدیمی فرش مشهد، می‌گوید: در این پروژه چون قرار بود مرمت زود آغاز شود تا حدودی عملیات باستان‌شناسی و مرمت هم‌زمان شد، اما در اصل باید ابتدا عملیات باستان‌شناسی انجام شود و بعد از آن بر اساس یافته‌های تاریخی احیا با الهام از آن‌ها انجام شود.

● از کشف هاون سنگی تا کاشی‌های رنگی
طبق گفته‌های نامی در این پی‌گرددی علاوه بر کف سنگ‌فرش بازار تعداد زیادی سفال‌های شکسته، کاشی رنگی، قطعاتی از کوزه، هاون سنگی، تن پوشه سفالی (ناودان) و قطعات سفالی کشف شده است که بیشتر برای تحقیقات باستان‌شناسی به کار می‌آید تا قرار دادن در موزه.

در تابستان با فرضیات مختلف کاری گردیمان مقابل همان ۲ غرفه‌ای که آمادگی خود را برای آغاز مرمت و احیا اعلام کرده بودند، شروع شد. طبق گفته‌های او بی‌گرددی از مقابل مغازه اول (مغازه فرش فخلعی) در فضایی محدود آغاز می‌شود، چرا که مرمت به غرفه‌های دیگر نرسیده بود و امکان توسعه گودبرداری نبود. در مقابل این مغازه زمین تا عمق بیش از ۴ متر کنده می‌شود و لایه و ساختارهایش (۵ ساختار) برداشت می‌شود. ساختارهای معماری مختلف که نشان می‌دهد، این بازار تاکنون بارها مرمت شده و تغییر شکل داده است. او اضافه می‌کند: با پی‌گرددی در این قسمت آنچه از لایه‌های مختلف به دست آمد و شامل انواع سفال و کاشی‌های شکسته بود، شواهدی از دوره قاجار و بعد از آن یعنی پهلوی نشان می‌داد. به گفته این استاد باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور در این پی‌گرددی به دنبال نشانه‌هایی از بازار بزرگ مشهد در قدیم بودند که در گودبرداری غرفه دوم به دست آوردند.

● کشف سنگ‌فرش دوره تیموری در عمق ۴ متری
مدیر پروژه پی‌گرددی بازار قدیم فرش مشهد به پی‌گرددی در مقابل غرفه دوم (اکنون فقط ۲ مغازه در بازار قدیمی فرش مشهد در حال مرمت است) که اطلاعات باستان‌شناسی زیادی از دل آن بیرون آمده است، هم اشاره می‌کند. نامی ادامه می‌دهد: در مقابل این غرفه (گمانه ۲) حدود ۸۰ ساختار معماری در چند لایه کشف شد. مهم‌ترین آن در لایه سوم دیده شد که عمق پی‌گرددی به ۴ متر رسیده بود و نشانه‌های سنگ‌فرش و نه آجر فرش به‌طور کامل نمایان بود. او با اشاره به تاریخ این سنگ‌فرش‌ها، اضافه می‌کند: این سنگ‌فرش‌ها خیلی قدیمی‌تر از دوره قاجار بودند و مطالعات نشان داد که مربوط به قرن ۱۱ و ۱۲ هستند. به گفته وی بعد از این سنگ‌فرش‌ها لایه‌های رسوبی خودشان را نشان

خبر کوتاه و خوش‌حال کننده است، اینکه سرانجام بعد از سال‌ها گمانه زنی‌های مختلف مبنی بر تاریخچه بازار قدیمی مشهد، مستندات آن از زیر زمین بیرون کشیده شد، مستنداتی باقی مانده از قرن ۱۱ و ۱۲ در عمق کف فعلی بازار قدیمی که نشان می‌دهد این بازار که این روزها با نام فرش شناخته می‌شود، به احتمال زیاد در دوره تیموری ساخته شده است، البته با تفاوت زیاد در عمق. برای آگاهی از این تحقیقات باستان‌شناسی و آشنایی که هر کدام تاریخ یکی از دوره‌های پادشاهی را بر پیشانی دارند، در این شماره با دکتر حسن نامی، مدیر پروژه پی‌گرددی بازار قدیم فرش مشهد و استاد باستان‌شناس دانشگاه نیشابور، گفت‌وگو کردیم که صحبت‌های او خبر از کشف کف اصلی این بازار با تاریخ حدود دوره تیموری در ۴ متری عمق زمین می‌دهد.

● دنبال نشانه‌هایی از بازار بزرگ مشهد بودیم
آنچه در اسناد قدیمی آمده است و نوشته‌هایشان نشان می‌دهد، مشهد در دوره تیموریان صاحب بازار بزرگ بوده است، بازار بزرگی از نوغان تا آن سر سرشور. نامی با اشاره به همین تاریخچه بیشتر توضیح می‌دهد و می‌گوید: البته این بازار دست‌خوش تغییرات زیادی شده است و در اثر همین تغییرات به ۲ نیم تقسیم شده است. گروه باستان‌شناسی ما هم با در نظر گرفتن همین تاریخ و وقتی صحبت از مرمت و احیای بازار قدیمی مشهد به میان آمد، تحقیقات را به دست گرفت تا مستندات تاریخ شکل‌گیری آن و همچنین نشانه‌هایی که بعد از دوره تیموری در لایه‌های زمین باقی مانده است آشکار کند.

باغ در نزدیکی همین چهارراه شهدای فعلی بود، زندانی کرد. چندین روز آن‌ها را در این طویله نگه داشتند تا مهندس‌ها از وسط چهارباغ خیابان بکشند. خیابانی که امروزه به نام آیت... خز علی است و ادامه‌اش آخوند خراسانی است و تا گنبد سبز امتداد دارد، در زمین‌های ماکه بخشی از چهارباغ بود، کشیده شده است. البته این تنها کار اسدی نبود. او یغچه‌سندهایی را که از اجدادمان مانده بود، گرفت و بخشی از سندها را که شامل چندین مغازه در محدوده چهارراه شهدای می‌شد، به نام خودش زد. سال ۱۳۱۴ که قرار شد اعدامش کنند، همه آنچه را از ما گرفته بود، وقف حرم کرد. یعنی وقف در وقف! در حالی که این‌ها از وقف‌های نظام‌الملک بوده است. «آن‌طور که در اسناد نظام‌الملکی‌ها آمده، زمین‌هایی که خواجه نظام‌الملک وقف فرزندانش کرده است، از زیر نقاره‌خانه شروع می‌شود و تا شفتالوزار (دامنه کوه سنگی) ادامه می‌یافت و از سوی دیگر هم از سمت پنج‌راه تا گل‌آزادارهای فعلی بوده است. بر همین اساس است که اواز خیلی بزرگان مشهدی سندا جاره خط زمین‌هایشان را داشت و از تصرف آن‌ها می‌گفت.

● اولین و آخرین درخواست از شهرداری

آن‌طور که شیخ حسین می‌گفت، طبق اسناد آن‌ها جاره زمین‌هایشان با آستانه شامل ۳ دوره سی و شصت و نود ساله بوده است. این زمین‌ها شامل کوچه مخابرات، بازار مرکزی یک و ۲ و بخشی از کوچه چهارباغ است. حال آنکه در همین محدوده نامی از نظام‌الملک نیست، به جز کوچه‌ای که از آن ۱۹ خانواده آن‌هاست و درخواست نام‌گذاری معبری در همین محدوده در شأن و مقام خواجه نظام‌الملک طوسی را دارند. ■





به یاد «حاج امین زرینه»، فرش فروش مشهدی که یکی از معابر اصلی شهر به نام اوست

داستان چهارراه

«زرینه»

گل دفتر

۵۶

المیرا منشادی
خبرنگار شهرآرمان

«زرینه» مردی که چهارراهی به نام اوست؛ فرش فروش با اخلاق مشهدی بود که منشش؛ نامش را برای همیشه در تاریخچه اسامی معابر مشهد ماندگار کرد، تاجایی که با گذشت ۶۳ سال از فوتش نامش بر روی یکی از چهارراه های اصلی شهر همچنان پابرجاست. چهارراهی که در زمان حیات «حاج امین زرینه» به نامش می شود و حال با انداختن تابلو و تغییر اسم آن در طول دوره های مختلف هنوز هم مشهدی ها و حتی زائران در نشانی دادن از نام قدیمی و اصلی آن یعنی «زرینه» استفاده می کنند.

این هفته در شهرآرمان محله به یاد مرحوم «حاج امین زرینه» و ماندگاری نامش بر روی یکی از چهارراه های مهم اطراف حرم مطهر پای صحبت های اکبر رزازیان (نوه اول زرینه)، محمد تقی (صادق) و عارفه پیمان (نوه های دختری زرینه) و جواد (خلیل) اکبری حداد (نوه دختر دایی زرینه) نشستیم تا از این بافنده و تاجر خوش نام فرش مشهد و رفتار او با مردم بشنویم و بنویسیم که به عقیده نوه ها و وابستگان او دلیل ماندگاری نامش تا امروز شده است.

● کوتاه درباره «حاج امین زرینه»

«امین زرینه» سال ۱۲۶۵ در روستای زرینه رود در نزدیکی تبریز به دنیا آمد. کمی بعد به تبریز می رود و در آنجا به کسب و کار می پردازد. آن طور که نوه بزرگ حاج امین، اکبر رزازیان، می گوید، از کسب و کار آبا و اجدادی زرینه ها اطلاعاتی در دست نیست، اما آنچه مسلم است آن ها پشم فروش و بافنده فرش بوده اند.

البته خلیل اکبری حداد، نوه دختر دایی حاج امین زرینه، درباره اینکه چطور زرینه های تبریزی سر از مشهد آورده اند، می گوید: سال ۱۲۸۵ که تبریز به دنبال انقلاب مشروطه در کشور محاصره می شود، حاج امین بیست ساله بود. در آن سال ها تبریزی هادر تنگنای آب و مواد اولیه غذایی بودند. هیچ غذایی در این شهر برای بچه ها و زنان پیدا نمی شد. آن قدر عرصه به تبریزی ها تنگ می آید که تصمیم به مهاجرت به دیگر شهرهای کشور می گیرند. حاج امین و خانواده زرینه هم تصمیم می گیرند راهی مشهد شوند. هیتی که همراه با خانواده زرینه به مشهد می آیند، شامل دایی ها، عموها و حتی خانواده های وابسته می شدند. وقتی به مشهد رسیدند، حاج امین با یکی از دختران فامیل ازدواج کرد و صاحب ۲ دختر و یک پسر به نام های عزیز آقا (فاطمه)، فخری و رضا می شود. تنها پسر او یعنی حاج رضا که از کودکی میان دست و پای پدر در کارگاه قالی بافی بود، این راه را ادامه می دهد، حتی در زمانی که پایش به آمریکا باز می شود. البته یکی از اجدادهای حاج امین هم در کار فرش بود و شاگردی او را در دوران مجردی می کردند. محمد باقر پیمان بعد از ازدواج با دختر زرینه صاحب سبک قالی بافی دستی با برند «پیمان» می شود. البته نسل زرینه در فرش بافی و تجارت فرش دست باف به همین جا ختم نمی شود و همچنان از سوی نوه های دختری اش (حسین و محمد تقی) با برند «پیمان» ادامه می یابد و این روزها محمد تقی برند «ص پیمان» را تولید می کند.

● فروش عتیقه یادگاری و برپایی کارگاه

خانواده زرینه وقتی به مشهد می رسند، در تپل المحله خانه ای اجاره می کنند و همراه با هینت همسر در آن زندگی می کنند. خانه ای که بزرگ بود، اما برای هینت همراه زرینه کمی کوچک به نظر می رسید. با این حال مردان خانواده تصمیم می گیرند شغل آبا و اجدادی شان یعنی پشم فروشی و قالی بافی را آغاز کنند. آن روزها مشهد به عنوان پایتخت فرش دست باف ایران مطرح بوده است و زرینه هادر این کار بسیار تبحر داشته اند. قبل از آن ها مهاجر دیگری که آن هم اتفاقاً از تبریز به مشهد آمده بود،

دارهای قالی اش را به راه انداخته بود و زرینه ها با استفاده از تجربه او تصمیم می گیرند کارگاه قالی بافی برپا کنند. اکبری حداد، نوه دختر دایی حاج امین، آن دوران خانواده زرینه را این گونه روایت می کند: بعد از ساکن شدن حاج امین و خانواده زرینه در مشهد، اوضاع اقتصادی آن ها خیلی رو به راه نبوده است، چرا که آن زمان به علت محاصره و قحطی به مشهد آمده بودند. آن ها در تبریز دارای مال و مکتبی بودند، اما برای مهاجرتشان فقط کمی از دارایی هایشان را با خود آورده بودند. با این حال حاج امین که چند سالی به بافندگی مشغول بوده و تجربیات بسیار خوبی داشت، تصمیم به برپایی کارگاه قالی بافی خود می گیرد، اما زرینه برای اجرای این تصمیم با مشکل کمبود بودجه مواجه می شود. این تصمیم در شور خانوادگی مطرح می شود و در نهایت تصمیم به فروش یکی از عتیقه های خاندان گرفته می شود. قرعه به سر ویس چای خوری نقره می افتد. بعد از فروش سر ویس چای خوری کارگاهی کوچک با ۲ دار قالی در خانه مسکونی زرینه برپا می شود.

عارفه پیمان، نوه دختری حاج امین، درباره روزگار سختی که خانواده زرینه تحمل کردند تا کارگاهشان سر و سامان بگیرد، می گوید: مادرم همیشه در داستان هایی که از آقا جان (حاج امین) و خانم جانم تعریف می کرد، این داستان را هم می گفت که آن زمانی که کارگاه تازه راه اندازی شده بود، خانم جان همراه با زن های دیگر فامیل لباس های پشمی بافته شده را با قیمتی اندک از بازارهای مشهد می خریدند و شب در خانه لباس را باز می کردند و دوباره پشم آن را می رسیدند و از آن برای فرش بافی استفاده می کردند. مادرم می گفت این کار به دلیل صرفه جویی و پس انداز پول برای رونق کارگاه بوده است.

● رونق کارگاه کوچک

کارگاه قالی بافی زرینه ها هر روز بیشتر از روز قبل رونق می گیرد، تاجایی که مردم برای خرید فرش های زیبای زرینه قالی هایش را روی دار می خریدند.

اکبر رزازیان، نوه بزرگ دختری حاج امین، در این باره می گوید: من در خانه حاج امین به دنیا آمدم و خیلی کوچک بودم که پدرم فوت کرد، به همین علت زیر دست او بزرگ شدم. آن روزها که من شش ساله بودم (سال ۱۳۱۸ ش) حاج امین کسب و کارش خیلی رونق گرفته بود. علاوه بر خانه تپل المحله که زمستان ها در آنجا زندگی می کردم، آقا جان خانه باغ ۲۰۰ متری دیگری به اصطلاح در خارج از شهر خریداری کرده بود و تابستان ها به این خانه می رفتیم و زندگی می کردم. خارج از شهر که

می گویم، منظورم خیلی دور نیست، پشت همین دروازه شهر جایی که الان به چهارراه زرینه معروف است. آن زمان که از شهر مشهد خارج می شدیم، بعد از کوچه بارو و خندق های اطراف آن به خانه های ویلایی می رسیدیم که هر کدام متعلق به یکی از بزرگان و ثروتمندان مشهدی بود. خانه حاج امین جایی که الان چهارراه شده است، یعنی تقاطع خیابان کاشانی و آیت... بهجت بود. بعد از خانه ما چند خانه دیگر و بعد از آن بیابان و زمین های کشاورزی بود. البته من به یاد دارم که رودی هم از این خیابان و وسط باغ حاج امین زرینه می گذشت که زنان برای شستن لباس ها و ظرف هایشان می آمدند. آقا جان در این خانه ویلایی آن طرف حیاط اتاقی ساخته بود که در آن چندندار قالی قرار داشت. البته کم کم حاج امین با افزایش تعداد دارها تصمیم گرفت کارگاه قالی بافی را از خانه اش جدا کند. زمینی پشت خانه باغ خرید و دارهای قالی را به آنجا منتقل کرد که در بیشترین میزان به ۵۰ عدد رسیده بود و تعداد زیادی کارگر پشت آن ها می نشستند. البته یکی دو دار قالی هم در خانه باقی گذاشت.

● تابلویی که نشان مردم شد

کسب و کار روز به روز رونق می گیرد و کارگاه حاج امین هم در بین مردم بیشتر شناخته می شود. حاج امین تابلو کارگاه قالی بافی زرینه را بر روی دیوار کارگاهش نصب می کند و این تابلو سر آغاز یک تاریخ می شود. آن طور که نوه هایش تعریف می کنند، کارگاهی که حاج امین پشت باغش برپا می کند، علاوه بر اینکه از در اصلی خانه راه داشت، در دیگری نیز به داخل خیابان اصلی داشت، معبری که آن زمان راه خاکی برای عبور و مرور در شکه ها و بعدها هم مینی بوس ها و اتوبوس ها می شود. روبه همین معبر خاکی حاج امین زرینه برای آنکه محل کارگاهش مشخص باشد و مردم نشانی اش را داشته باشند، تابلویی روی دیوار این جمله «کارگاه فرش بافی زرینه» نصب کرده بود. این کارگاه آن زمان انتهای خیابان در یابد محسوب می شد و مردمی که از طرف چهارراه کلاتری یا در یابد می آمدند، در انتهای خط در شکه یا مینی بوس و اتوبوس در این ایستگاه یعنی ایستگاه زرینه پیاده می شدند.

البته طبق گفته های اکبری حداد پیمان ایستگاه را کسی به نام زرینه نام گذاری نکرده بود، بلکه به دلیل وجود همان تابلو فرش بافی زرینه، شوفرهای مینی بوس و اتوبوس به انتهای خط که می رسیدند، می گفتند «آخر خط، ایستگاه زرینه، پیاده شوید.» همین اسم بر روی این ایستگاه می ماند. البته اینکه این اسم روی این ایستگاه می ماند، از نظر نوه هایش فقط به مردم داری حاج امین بازمی گردد. بزرگترین نوه حاج امین اضافه می کند: آقا جان بسیار مردم دوست و خوش اخلاق بود. گاهی وقت ها هم پسر حاج امین یعنی حاج رضا به کارگاه می رفت و کارگاه را اداره می کرد. خیلی خوش مشرب بود. جای و توت خشکشش برای رانندگان و شوفر هایشان بر اه بود. با آن ها می خندید و شوخی می کرد و وقت می گذراند. فکر می کنم این ۲ عامل باعث شد که این ایستگاه به نام ایستگاه زرینه معروف شود، یعنی مردم این نام را برایش انتخاب کردند و خودش هم خواستند که این نام را تکرار کنند تا یادماندگار شود.

● چهارراهی به نام زرینه

در ابتدای دهه ۳۰ بلندی (مشهد داری امروز) تصمیم می گیرد به خیابان های شهر سر و سامانی دهد. در اولین اقدام خیابان هایی با وسعت زیاد در اطراف مشهد می کشد که دیگر محدود به

برج و باروها نمی شد و با افزایش جمعیت در این دهه فراتر از دروازه های شهر رفته بود. به دنبال همین از چهارراه کلاتری (حدفاصل چهارراه شهدای فعلی و چهارراه زرینه فعلی) خیابان پهنی کشیده می شود که خود رها راه تازه ای به خیابان های دیگر شهر پیدا کنند و بتوانند آزادانه رفت و آمد کنند. باغ حاج امین در وسط این خیابان کشتی قرار می گیرد و حاج امین که آخرین سال های عمرش را می گذراند است، اجازه می دهد که این خیابان از گوشه باغش عبور کند. رزازیان، نوه بزرگ حاج امین، درباره این خیابان کشتی می گوید: هم زمان با افتتاح راه آهن مشهد خیابان کشتی های جدید و توسعه معبر های قدیمی اطراف آن آغاز شد. باغ حاج امین که روزگاری در خارج از شهر قرار داشت، محلی برای کشیدن خیابانی به سمت ایستگاه راه آهن مشهد شد و مقابل قسمت باقی مانده باغ و کارگاه او با این خیابان کشتی چهارراهی ایجاد شد که مردم به عادت دیرینه خود آن را چهارراه زرینه نامیدند. آن طور که نوه هایش می گویند، آن زمان حاج امین هنوز زنده بود که قسمتی از باغش چهارراه شد و چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۵ فوت کرد، با وجود این نامش همچنان ماند. البته بخشی از کارگاه این مرد نیک نام به وسیله پسرش (حاج رضا) تاده ۴۰ باقی ماند و قالی بافی در آن ادامه پیدا کرد.

● ماندگاری نود و هشت ساله نام «زرینه»

حاج امین زرینه کارش را در ابتدای سده ۱۳۰۰ خارج از برج جواری شهر مشهد و ابتدا در منزل مسکونی و سپس در باغش آغاز کرد. ابتدا خیابان کشتی های امروزی نبود و باغش به نوعی آخرین نقطه مشهد محسوب می شد، اما علت تابلو کارگاهش به ایستگاه زرینه در بین مردم معروف می شود و بعد از خیابان کشتی ها تا امروز که ۹۸ سال از آن روزها می گذرد، هنوز هم به همین نام شناخته می شود. عارفه پیمان، نوه دختری حاج امین، درباره دلیل ماندگاری زرینه بر روی این چهارراه معروف مشهد می گوید: پدر بزرگم مرد بسیار متواضع و فروتنی بود و با همه مردم مهربان بود. برای صدقاتی که در کسب و کارش داشت، در بین مردم خیلی محبوب بود. وقتی هنوز برخی از فرش های پدر بزرگم را می بینم که با گذشت ۷۰ تا ۷۰ سال از زمان بافتنشان در زیر پانزدهم هستند و شکل و فرم خودشان را از دست ندهاده اند، به این محبوبیت پی می برم. به نظر من تنها دلیلی که این نام را بر روی چهارراه ماندگار کرده است، همین محبوبیت توأم با صداقت رفتاری آقا جان است.

اکبری حداد، نوه دختری زرینه، نیز در این باره گریزی به روزهای جوانی اش می زند و می گوید: امانت داری، صداقت و



رنگ زرینه، تپل محله، حاج امین که پدر بزرگم را یادگار کرد

افتتاح اولیه ایستگاه راه آهن مشهد که به سال ۱۳۳۶ بر می گردد؛ در ۴ آبان ۱۳۴۵ با پایان ساخت ساختمان های اصلی از سوی مسئولان وقت ایران به طور رسمی افتتاح شد. روز افتتاح هر کسی هر کاری از دستش بر می آمد، انجام می داد تا شهر زیباتر شود. به دنبال همین خیابانی که به چهارراه زرینه می رسید به لطف رضا زرینه پسر حاج امین

زیباتر از جاهای دیگر بود. دلیل آن هم فرش شدن خیابان با قالی های دستباف کارگاه زرینه بود. در این مراسم ۲ تابلو فرش ابریشمی چهره نیز به ۲ مسئول رده بالای کشوری از سوی کارگاه زرینه اهدا شد. خیلی از مردم قدیمی مشهد این اقدام را دلیلی دیگر برای نام گذاری و ماندگاری عنوان زرینه روی چهارراه می دانند.

از هر ۴ یا ۵ طرح یا بیشتر «سه پود» داده می شود که این نوع بافت به شدت از استحکام قالی می کاهد. در بافت «تاباف» نیز هر تون قالی یک گره می خورد، برخلاف فرش هایی که با گره جفتی بافته می شود و در آن یک تون گره می خورد و تون کناری آن نمی خورد. بگذریم که بعضی فرش ها به شکل L انگلیسی بافته می شود و در آن خبری از گره نیست و فرشی به شدت بی کیفیت بافته می شود.

● صادرات فرش «زرینه» به خارج از کشور

زرینه هرگز برای دربار فرشی نبافت و فرشی را هم سفارش نگرفت، اما تمام فرش های دست بافتش اکنون در کشورهای دیگر با مبالغ بالا دادوستد می شود. صادق پیمان در این باره می گوید: هر فرشی که بافته می شود، اقیانوسی از علم در آن نهفته است. فرش های زرینه در همان زمان بافتش هم فرش های مرغوبی به شمار می رفتند و در بین اشراف و ثروتمندان آن دوران بسیار خواهان داشتند. فرش های زرینه بعد از بافته شدن به تجارت خانه ای که حاج امین در فلکه آب داشت، برده می شد و خود حاج امین که این تجارت خانه را اداره می کرد، آن ها را به مردم می فروخت. البته اگر فرشی پیدا می شد و روی دار قالی فروخته نشده بود! اما بعضی دیگر از فرش های طرح و رنگ های خاص داشتند، به وسیله دایی ام حاج رضا که او هم همچون پدرش بافنده ماهر و تاجر فرش بود، به تهران فرستاده می شدند و بعدها این فرش ها را خود او به خارج از کشور هم صادر می کرد. پدرم هم البته به این قضیه اشاره داشت که فرش های زرینه زمانی به آمریکا و هامبورگ صادر می شدند. به همین دلیل فرش های زرینه را اکنون می توان در بیسن های مجموعه دارهای معروف دنیا دید که برای فروش آن قیمت های نجومی مطرح می کنند.

می گفتند فرشش خوب نیست و بافنده هم شرمش آمده نشانش را روی فرش بیافد. قالی های حاج امین و پدر من علاوه بر نشان یک مشخصه دیگر داشت که رنگ و بافت فرش بود. و سواس و حساسیتی که این ۲ روی فرش بافی داشتند، تکرار شدنی نیست. یکی از مهم ترین ویژگی های فرش این دو نفر، نخ هایی است که با دست ریسیده می شدند. این نخ ها با سواس و نظارت ویژه از سوی کارگران ماهر ریسیده می شدند و در اختیار بافنده قرار می گرفتند. علاوه بر این رنگی که برای نخ هادر کارگاه زرینه و پدرم استفاده می شد، بسیار خاص بود. آن ها هرگز از رنگ های آلمانی که آن روزها بازار فرش مشهد را قبضه کرده بود، استفاده نکردند. پدرم که کتابی برای رنگرزی درست با گیاهان نوشته بود اعتقاد داشت رنگ های آلمانی بعد از چند سال پس می زند و فرش را خراب می کند. به همین دلیل تا زمانی که زنده بود، رنگ هایی که برای فرش بافی استفاده می کرد، ۱۰۰ درصد گیاهی بودند. این رنگ ها عامل استحکام و ثبات فرش محسوب می شوند. البته شیوه بافتن و طرح هایی که حاج امین و پدرم انتخاب می کردند هم در مرغوبیت فرش هایش بسیار تأثیرگذار بودند. حاج امین و پدرم همیشه سفارش می کردند فرشی را به مردم باید فروخت که اگر ۱۰ سال پا خورد، تازه رنگ و طرحش مشخص شود، نه اینکه رنگ ببازد و آه و نفرین به دنبال بیاورد. الان هم اگر فرش زرینه پیمان را ببینید، بعد از ۵۰ سال نه نازک شده اند و نه تغییر رنگ داده اند، ضمن اینکه آسیب هم ندیده اند. این را هم بگویم که فرش های حاج امین و پیمان به شیوه «تاباف» و «هرچین پود» بافته می شد. فرش های «هرچین پود» در هر رج فرش یک پود ضخیم در اصطلاح «آفتاج» و بعد از آن یک پود نازک در اصطلاح «سه پود» وجود دارد که در بهترین حالت باید در بافت هر رج «آفتاج» و «سه پود» داده شود، اما متأسفانه در بیشتر فرش های جدید بعد

اما حاج امین باز هم سکوت می کند و بعد از تمام شدن هتاکی آن زن به داخل خانه می رود و باز هم چیزی نمی گوید. بعد ها به پدرم می گوید، مقصودم و باید بیشتر دقت می کردم. چند وقت بعد دختر حاج امین یعنی مادر من با محمدباقر (پدرم) ازدواج می کند و مراسم عروسی در خانه باغ زرینه برگزار می شود. حاج امین شخصا به در خانه آن زن همسایه می رود و او را برای عروسی دعوت می کند و از او حلالیت می طلبد. آن زن آن قدر شرم منده می شود که وقتی پدر بزرگم فوت می کند با گره و شیون پشت سر تابوت می گفت «گل محله رفت، آقای محله رفت». به عقیده من رفتار او با مردم و ادب و احترامی که برای همه قائل بود، نام او را ماندگار کرد. مردم خوب را از بد تشخیص می دهند و ظاهر فریبی را خیلی خوب درک می کنند. به طور حتم درک کرده اند که حاج امین با رفتارش مردم را فریب نمی دهد و به قول معروف ظاهر و باطنش یکی است و همین موضوع دلیل ماندگاری نامش شده است.

● قالی های خاص در کارگاه «زرینه»

قالی های زرینه برخلاف قالی های عمو اوغلی برای دربار بافته نمی شد، اما پشم و رنگ بسیار مرغوبی داشت. این مرغوبیت فرشش را در بین مردم محبوب کرده بود. صادق پیمان در این باره می گوید: آن زمان ها چون از فرشی که می بافتند اطمینان داشتند، حتما نام و شهرتشان را به عنوان نشان بر روی فرش می بافتند. روی تمام کارهای پدر بزرگم حاج امین، نشان زرینه بافته شده است، به همین دلیل اصالت دارد. حتی پدر من محمدباقر پیمان که داماد حاج امین بوده و با او نسبتی خانوادگی هم داشته است، وقتی کارش را از دست حاج امین و عمو اوغلی شروع می کند، روی تمام کارهایش نشان پیمان زامی بافت. آن روزها اگر کسی این کار را نمی کرد و نشانش را روی فرش نمی بافت،

پیش قدم شدن در کارهای خیر از خصوصیات بارز حاج امین بود. آن زمان اگر راسته بازار فرش فروشان را جست و جو می کردید، کمتر کسی را با خصوصیات حاج امین پیدا می کردید. حاج امین بسیار متواضع و فروتن بود. دستش به خیر می رفت و همین موضوع به نظر نامش را در بین مردم ماندگار کرد تا جایی که بعد از ۹۸ سال هنوز هم مردم به یاد او چهارراه زرینه می گویند. به نظر نامی که مردم بر روی خیابان های می گذارند، بسیار ماندگارتر از نامی است که با مصوبه و صورت جلسه بر روی خیابانی گذاشته می شود.

● هتاکی زن همسایه و سکوت حاج امین

محمدتقی (صادق) پیمان، نوه دیگر حاج امین، که پسر صاحب برند معروف فرش پیمان است و این روزها نایب بر حق پدر بزرگ و پدرش محسوب می شود در کار فرش دست باف همچنان فعالیت دارد، در باره اخلاق و منش پدر بزرگش که باعث ماندگاری نامش بر روی چهارراه شد، می گوید: ۳ سال بیشتر نداشتم که آقا جان از دنیا رفت. به همین دلیل خاطراتم به تعریف های پدرم که پسر عموی آقا جانم بود، بر می گردد. از نحوه برخوردش با مردم بگریزید تا سعه صدری که داشت و روی خوشی که به مردم نشان می داد. یکی از همین خاطرات که هتاکی زن همسایه به حاج امین و سکوت او در برابر این بی حرمتی بر می گردد. جریان این هتاکی از بی احتیاطی کارگران کارگاه قالی بافی آقا جان منشا می گیرد. گویا این کارگر هنگام انداختن تته درخت قطور که به عنوان دار قالی استفاده می شد از روی درشکه، تته را پشت خانه زن همسایه انداخته و این عمل او همراه با صدای مهبیبی به گوش زن همسایه می رسد. زن همسایه هم به خیابان می آید و جلو حاج امین را می گیرد و به قول معروف آه و نفرین می کند. هر چه صدای زن بالاتر می رود، حاج امین سرش را پایین تر می برد. همه همسایه ها و بازاری هادوران حاج امین می شوند،



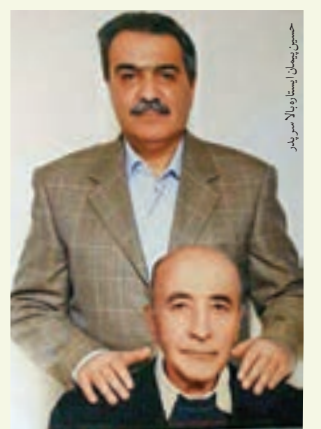
حاج امین زرینه؛ نشسته روی سندلی در خانه باغ چهارراه زرینه



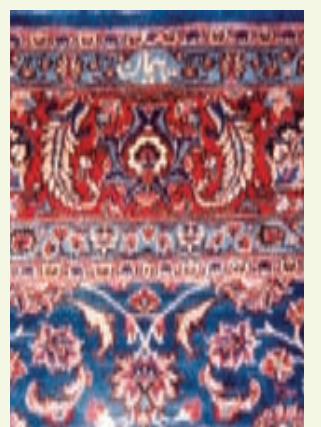
محمدباقر پیمان مبداء فرش دستباف هفت رنگ در کنار فرزندانش



حاج امین زرینه در کارگاه قالی بافی



حسین پیمان ایستاد به همراه پدر





کوتاه درباره شهید نواب صفوی که قدیمی‌ترین خیابان مشهد به نام اوست

صفوی که نواب صفوی شد

هم محلی

۵۸

نظامی

مشهدی‌ها و آن‌هایی که با نام زائر راهی این شهر می‌شوند، تاکنون بارها از خیابان عریض و طولی در اطراف حرم مطهر گذشته‌اند که روی تابلوهایش نام شهید نواب صفوی ثبت شده است، شهیدی که اصالت مشهدی ندارد، اما همسری از این شهر انتخاب کرده بود و در طول دوران مبارزاتش علیه حکومت پهلوی به عنوان رهبر فداییان اسلام بارها در این شهر و همین خیابان سخنرانی کرده بود. کسی که بعد از اعدامش در ۲۷ دی ۱۳۳۴ در قم به خاک سپرده شد، اما هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی یکی از خیابان‌های اصلی شهر که قدیمی‌ها با نام پایین خیابان به یاد می‌آوردند و کاسب و ساکن آن چندین بار سخنرانی‌های شهید نواب صفوی را در همین محل شنیده بودند، به نام او شد تا برای همیشه یادش در مشهد هم زنده بماند. هم‌زمان با فرارسیدن سالروز اعدام این شهید در خاطرات نیره‌سادات احتشام‌رضوی، همسر مشهدی نواب صفوی، سری به روزهای فعالیت او زده‌ایم و نگاهی انداخته‌ایم به نام‌گذاری پایین خیابان به نام شهید نواب صفوی.

از دیدار شاه تا ازدواج

مجتبی میرلوحی اصالتاً از محله خانی آباد تهران بود و سال ۱۳۰۳ در همین محله به دنیا آمده بود. او که در دوران کودکی پدرش را از دست داد، در جوانی وارد حوزه علمیه شد و درس طلبگی خواند و بعد از آن در مخالفت با حکومت پهلوی گروه فداییان اسلام را بنیان نهاد و رهبری آن را بر عهده گرفت. آن‌طور که نیره‌سادات احتشام‌رضوی می‌گوید، آشنایی نواب صفوی و پدر او در زمان ملاقات با شاه‌باب آشنایی ۲ خانوادۀ را باز کرد و ازدواج را به همراه داشت: در دی‌ماه سال ۱۳۲۶ ش پدرم وقایع قیام خراسان به عنوان پدر این قیام را در روزنامه پرچم اسلام بازگو کرد. مجتبی نواب صفوی که این روزنامه را مطالعه می‌کرد، مشتاق می‌شود احتشام‌رضوی را ببیند تا اینکه به صورت تصادفی در جریان درخواست شاه برای ملاقات آن ۲ (دل‌جویی از احتشام‌رضوی و شنیدن توضیحات نواب صفوی برای جلوگیری از اعدام سیدی که محکوم به همکاری با دولت پیشه‌وری بود) با یکدیگر آشنا می‌شوند و پس از آن دوستی آن‌ها عمیق‌تر شد و در زمان بیماری پدرم که در بیمارستان شفا بستری بود، من را از پدرم خواستگاری کرده بود. در همان سال محمد مسعود، مدیر روزنامه «مرد امروز»، به قتل رسید. عده‌ای این کار را به نواب صفوی و فداییان اسلام نسبت دادند، برای همین پیش از عروسی ما تهدید نواب صفوی آغاز شد و مجبور شدیم عروسی را خیلی ساده برگزار کنیم. از ابتدای سال ۱۳۲۷ هم نواب صفوی به شدت تحت تعقب قرار گرفت تا روزی که به شهادت رسید.

● قتل نافرجامی که اعدام به همراه داشت

آن‌طور که همسرش در خاطراتش می‌گوید، شهید نواب صفوی با شاه و دولت و کارگزاران مملکت مخالف بود و روش حکومت آنان را مغایر و مخالف با اسلام می‌دانست. البته او در همه زمینه‌ها هوشیار بود، به عنوان نمونه هر وقت شاه می‌خواست قراردادی با انگلیس، شوروی یا آمریکا امضا کند، نواب صفوی اعلامیه‌ای علیه این اقدام می‌داد. در آخرین نمونه در سال ۱۳۳۴ زمان نخست‌وزیری حسین علا، پیمانی منطقه‌ای در خاور میانه به نام «بغداد» منعقد شد که بعدها به پیمان نظامی اقتصادی سنتو مشهور شد. نواب متوجه بود که این پیمان برای کشورهای اسلامی به ویژه ایران معایب و ضررهای مادی و معنوی دارد و آن را به صلاح امت اسلام و کشورهای اسلامی نمی‌دانست، بنابراین تصمیم به ترور حسین علا گرفت تا به این طریق طرح این پیمان را به شکست بکشاند. آقای مظفرعلی ذوالقدر مأموریت پیدا کرد در مسجد شاه حسین علا را به قتل برساند. سرانجام روز پنجشنبه ۲۵ آبان به حسین علا شلیک کرد، اما کشته نشد.

ذوالقدر دستگیر شد و در اثر اعترافات او دیگر اعضای برجسته و کادر رهبری فداییان اسلام نیز دستگیر شدند. علا با این قضیه به مأموران دستور داد تا با جدیت بیشتری فداییان اسلام را در کل کشور تحت تعقیب قرار دهند. در نهایت شهید نواب صفوی را همراه با آقایان مهدی عبدخدا، سید مهدی واحدی و خلیل طهماسبی در حالی که در منزل مجید ذوالقدر مخفی شده بودند، دستگیر کردند. بعد از ۲ ماه دادگاهی تشکیل شد و شهید نواب صفوی همراه با چند تن دیگر از اعضای فداییان اسلام در ۱۲ دی ۱۳۳۴ به اعدام محکوم شدند.

چندی نگذشته بود و در روزهایی که تلاش می‌کردم تا به نحوی این حکم را دست‌کم به حبس تبدیل کنم، یک‌روز خانم آقای واحدی آمد و گفت آقای نواب را در تاریخ ۲۷ دی ۱۳۳۴ اعدام کرده‌اند و تو هم مثل من شدی.

● از خیابان صفوی تا شهید نواب صفوی

شاه عباس صفوی که در بین شاهان ایران بیشتر از هر پادشاهی خود را شیفته حضرت رضاع) نشان می‌داد و ۲ بار با پای پیاده به مشهد سفر کرد، اصلاحات زیادی در این شهر انجام داد، از مهم‌ترین آن‌ها ایجاد بالاخیابان و پایین خیابان بود. به همین دلیل پایین خیابان به یاد او از همان ابتدا تابلو «صفوی» داشت. این خیابان مهم مشهد با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ برای پاسداشت یاد شهدای تغییر نام پیدا کرد و تابلوهایش به نام «شهید نواب صفوی» شد. ■

“

تا قبل از پیروزی انقلاب پایین خیابان به یاد شاه عباس تابلو صفوی داشت و از سال ۱۳۵۲ به شهید نواب صفوی تغییر کرد

”

همزمان با نزدیک شدن به افتتاح زائرسرای در محله پایین خیابان

ساخت زائرسرای ارزان قیمت جدید آغاز شد

در محله

۵۹

منشادی

یک بنای دیگر به زائرسرایهای ارزان قیمت اطراف حرم مطهر با آغاز ساخت زائرسرای استان خراسان شمالی افزوده شد تا شمار این زائرسراها به ۴ برسد. به گزارش شهر آرامحله، مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ثامن با اعلام این خبر گفت: اکنون از مجموع پروژه احداث ۳۵ زائرسرای ارزان قیمت که شامل ۷ پروژه عام المنفعه و ۲۸ زائرسرای ارزان قیمت استانی می‌شود، تاکنون ۳ زائرسرا در منطقه ثامن احداث شده و ساخت یک زائرسرای دیگر در ماه جاری به نام استان خراسان شمالی آغاز شده است.

مهدی زمانی با اشاره به برگزاری مراسم آغاز ساخت این زائرسرا در چند روز گذشته با حضور نماینده ولی فقیه و استاندار و معاون عمرانی استاندار خراسان شمالی و همچنین معاون استاندار خراسان رضوی و فرماندار مشهد، گفت: زمینی به متراژ ۶۵۴ متر مربع از سوی شهرداری مشهد برای ساخت این زائرسرا در محله راد (بولوار وحدت) در نظر گرفته شده است.

زمانی با بیان اینکه پروانه ساخت زائرسرای خراسان شمالی از سوی شهرداری منطقه ثامن صادر شده است، افزود: شهرداری منطقه ثامن طبق توافق با بنیاد زائر امام رضا (ع) در مرحله اول پروانه رایگان را برای ۴۸۰۵ متر مربع زیر بنا صادر کرده است.



۱۵ میلیارد تومان هزینه ساخت زائرسرا

وی با اشاره به اینکه طبق پیش‌بینی‌ها برای ساخت این زائرسرا ۱۵ میلیارد تومان نیاز است، گفت: بودجه زائرسرای ارزان قیمت برعهده استان سازنده است. البته در کنار آن از کمک خیران و کمک‌های عام المنفعه نیز استفاده می‌شود. درباره زائرسرای خراسان شمالی نیز باید بگویم که تمامی ۱۵ میلیارد هزینه برآورد شده برای ساخت زائرسرا از منابع کمک خیران و مردم و به‌وسیله خود همان استان تأمین می‌شود.

افتتاح زائرسرای ارزان قیمت امام صادق (ع) در ده فجر

مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ثامن همچنین از افتتاح زائرسرای امام صادق (ع) در دهه فجر خبر داد و گفت: ساخت زائرسرای امام صادق (ع) از چندین ماه قبل در کوچه محتشم بولوار امیرالمؤمنین (ع) آغاز شده بود که ساختمان آن اکنون در زمینی به متراژ ۷۰۰ متر مربع به پیشرفت ۹۹ درصدی رسیده است. او با این خبر خوش که این زائرسرای ارزان قیمت در دهه فجر افتتاح خواهد شد، گفت: زائرسرا مربوط به بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) است و با مشارکت خود آن‌ها ساخته شده است.

پذیرش زائر در ۳ زائرسرای افتتاح شده

زمانی با اشاره به اینکه ۳ زائرسرای افتتاح شده در

منطقه ثامن شرایط پذیرش زائر را دارند، گفت: اولین زائرسرای افتتاح شده برای استان قزوین با نام «فدک» است.

دومین زائرسرا برای افراد زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از سراسر کشور با نام «کرامت» ساخته شده است و زائران را پذیرش می‌کند.

وی درباره سومین زائرسرای ارزان قیمت اظهار کرد: زائرسرای «آفتاب ولایت» با زیربنای ۱۴ هزار و ۵۰۰ متر در متراژ ۲۰۰۰ متر مربع (۱۲ طبقه) در اختیار زائران قرار گرفته است.

مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ثامن با بیان اینکه زائرسرای ارزان قیمت به‌وسیله ارگان‌های مختلف اداره می‌شوند، افزود: متولی و اداره‌کننده زائرسرایهای ارزان قیمت کمیته امداد، بهزیستی، بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) و شهرداری‌های استان‌های دیگر هستند و هزینه ساخت آن نیز برعهده خود مجموعه‌ها خواهد بود. شهرداری منطقه ثامن نیز برای همکاری با آن‌ها پروانه رایگان صادر می‌کند.

وی با بیان اینکه طبق مطالعات انجام شده ۳۰ هزار تخت ارزان قیمت برای مشهد پیش‌بینی شده است، اظهار کرد: هزینه هر شب اقامت در زائرسرایهای ارزان قیمت طبق دستوری که در سال ۹۲ در شورای اسلامی شهر مشهد مصوب شده است، ۲۷ هزار تومان است که این مبلغ در ایام پیک و غیر پیک تغییر نمی‌کند.

آی‌خبر

۸۴ سال پیش در چنین روزهایی برای اولین بار حمام‌های مشهد

نمره‌دار شدند

جایگزینی دوش به جای خزینه

شجاع - سالی که اسدی، متولی آستان قدس رضوی، بعد از واقعه گوه‌ر شاد به اعدام محکوم و تیرباران شد، پاکروان رقیب سرسخت او که استانداری را در دست داشت، همه‌کاره شد. او علاوه بر اجرای طرح‌هایی که در ذهن داشت به تکمیل برخی طرح‌هایی که در زمان اسدی آغاز شده و ناتمام مانده بود، به ویژه آن بخش این طرح‌ها که عمومی و کشوری بود و دستور پهلوی اول را داشت، اقدام کرد. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در زمان اسدی اجرای آن به دستور پهلوی اول نه تنها در مشهد و خراسان بلکه در کل کشور آغاز شده، اما کامل نشده بود، جاگذاری دوش در حمام‌ها به جای خزینه بود. پاکروان در نخستین قدم کار را از حمام‌های معروف شهر همچون حمام شاه که جزو موقوفات آستان قدس محسوب می‌شد، آغاز کرد. در گزارش پیش‌رو نگاهی داریم به دوش‌دار شدن حمام‌های خزینه که اجرای آن در دوره پاکروان از دی سال ۱۳۱۴ آغاز شد.

شهرداری و تعطیلی موقت حمام‌ها

تا دی ماه سال ۱۳۱۴ بیشتر حمام‌های مشهد خزینه‌دار بود و تا حدود زیادی کثیف و آلوده بودند و تنها معدودی حاضر به نصب چند دوش آن هم در کنار خزینه‌ها شده بودند. برای رفع این آلودگی دستور نصب دوش و بستن خزینه‌ها در تمام حمام‌های عمومی از طرف حکومت صادر شد و بلدییه یا همان شهرداری مسئول اجرای این موضوع شد.

در نخستین قدم دی ماه سال ۱۳۱۴ بعد از برگزاری جشن ۱۷ دی ماه، شهرداری به تمام حمام‌ها دستور اکید صادر کرد که در حمام‌ها دوش بگذارند و حمام‌دارها به هیچ کس اجازه ورود به خزینه ندهند. در نتیجه حمام‌های عمومی به نوبت به مدت چند روز تعطیل شدند تا تعمیراتی در آن‌ها انجام شود. آنچه بعد از بازگشایی مجدد حمام‌ها به چشم می‌آمد، کشیدن دیوار جلو تمام خزینه‌ها و چاله حوض‌هایش بود.

ایجاد دوش در گودی‌های حمام

به دنبال این دستور حمام‌دارها مجبور شدند تا به جز ۲ خزینه، یکی برای ذخیره آب سرد و دیگری آب گرم برای آب‌رسانی به دوش‌ها، بقیه خزینه‌ها را خراب یا خالی از آب کنند و مقابلش را دیوار بکشند. برای جاگذاری دوش هم صحن حمام را به قدر قدم یک آدم گود کردند و در کف آن گودی چند اتاقک بدون در به نام «نمره» ساختند. هر کدام از این نمره‌ها یک دوش و ۲ شیر آب گرم و سرد داشت.

با نردبان به حمام رفتن

به دنبال اجرای این دستور شهرداری آن زمان مأمورهایی را استخدام کرد که کارشان سرزدن به حمام و جلوگیری از افتادن مردم در خزینه برای شست‌وشو بود. اگر حمام‌دار اجازه می‌داد که کسی خودش را در خزینه بشوید و مأمور از این موضوع آگاه می‌شد، کمترین حکم برای او جریمه نقدی و تکرار شست‌وشو بود.

این موضوع باعث شد تا مردمی که شست‌وشو زیر دوش را تطهیر نمی‌دانستند، به دلیل خزینه‌دار بودن حمام‌های روستاهای اطراف مشهد به آنجا رو بیاورند. همچنین به گفته حمام‌دار قدیمی حمام شاه تعدادی از مردم (کسانی که با حمام‌دار دوست، آشنا و همسایه بودند) در نیمه‌های شب با نردبان به حمام می‌آمدند. آن‌ها بعد از شست‌وشو خودشان در زیر دوش، برای اینکه تطهیر شوند، نردبان می‌گذاشتند و یواشکی وارد خزینه می‌شدند. البته در تعدادی از حمام‌های اطراف حرم حمام‌دار در خزینه‌ها در ساعات‌های مشخصی برای همین افراد باز می‌کرد، خودش نگاهبانی می‌داد که مأموری متوجه قضیه نشود و بعضی از مشهدهای وارد خزینه شوند.

به دنبال این مقاومت مردمی و حرام‌دانستن دوش، برخی روحانیان معتمد مردم مثل آیت‌ا... سبزواری که شست‌وشو بدن زیر دوش را قبول داشت و تأکیدش بر این بود که نمونه‌های غیر بهداشتی با این روش از بین رفته است، با هماهنگی و خواهش مسئولان بهداشتی شهر دست به کار شدند. به این صورت که هر روز به حمام می‌رفت و در ساعات‌های مشخصی نحوه شست‌وشو زیر دوش آب را به مردم آموزش می‌داد تا مشهدهای دست از خزینه رفتن بردارند.



آخرین خبر



۱۱

ثبت نام اعتکاف حرم مطهر آغاز شد

هم‌زمان با نزدیک شدن ماه رجب و برگزاری مراسم اعتکاف در ایام البیض (۱۳ تا ۱۵ ماه رجب) ثبت نام برای شرکت در مراسم اعتکاف حرم مطهر رضوی آغاز شد.

به گزارش شهرآرامحله، مدیر امور خدمه آستان قدس در اعلام جزئیات این خیر گفت که ثبت نام تا ۳ بهمن امسال ادامه دارد و متقاضیان می‌توانند برای نام‌نویسی عدد ۸ را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۳۰ ارسال کنند یا از سایت ستاد اعتکاف به نشانی www.etekaf.razavi.ir اقدام و فرم ثبت نام را تکمیل کنند. توکلی با بیان اینکه برادران متقاضی شرکت در این مراسم باید ۱۵ سال کامل و خواهران نیز ۹ سال را داشته باشند، گفت: علاوه بر مسجد گوهرشاد حرم مطهر رضوی، مسجد الرضا (ع) مصلی، مسجد الرضا (ع) خواجه ربیع، مسجد الرضا (ع) احمدآباد، مسجد صدیقی ها، مسجد امام خمینی (ره) و مسجد ملاهاشم نیز از جمله مساجد زیر پوشش آستان قدس رضوی هستند که مراسم اعتکاف در آن‌ها برگزار می‌شود. گفتنی است چنانچه متقاضیان در باره ثبت نام سؤالی داشته باشند، می‌توانند با شماره تلفن های ۰۹۱-۳۲۰۰۹۱-۳۲۰۰۹۲ با پیش شماره ۰۵۱ تماس بگیرند.



۱۲

اولین دفتر تسهیلاتی منطقه ثامن شروع به کار کرد

هم‌زمان با برگزاری نشست هم‌اندیشی شورای اجتماعی پایین خیابان با دفتر تسهیلاتی محله راد، کار آن به‌عنوان اولین دفتر تسهیلاتی منطقه ثامن رسماً آغاز شد.

به گزارش شهرآرامحله، در این نشست سیدی نسب، مدیر تسهیلاتی و امور مشارکت‌های شهرداری منطقه ثامن، در حضور اعضای شورای اجتماعی محله و تسهیلاتی محله راد گفت: ورود به مسئله بازآفرینی در راستای برنامه ششم توسعه کشور و سیاست‌گذاری و راهبری شورای اسلامی پنجم انجام شده است که هدف اصلی آن ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و امکان‌زیست‌پذیری شهرهاست. به گفته‌ی دفتر تسهیلاتی و توسعه محله حلقه‌های ارتباطی بین مردم، مالکان و مدیریت شهری بوده است و تهیه و تدوین شناخت‌نامه و رسیدن به سند توسعه محله بر اساس رویکرد یک‌پارچه و برای مردم از اهداف آن است. او تأکید کرد: همچنین این دفتر موظف به شناسایی و بررسی آسیب‌های محله به لحاظ ابعاد اجتماعی، کالبدی و... با هدف توانمندسازی ساکنان و مشارکت تمام سطوح هستند. طبق گفته‌های او مردم می‌توانند با مراجعه به آن‌ها مشکلات و پیشنهادهای خود را ارائه دهند تا پس از کارشناسی به‌دستگاه متولی منعکس شود.



۱۳

کاهش ورود غیرمجاز خودروها به طرح ترافیک

رئیس پلیس راهور مشهد اعلام کرد: هر سال هم‌زمان با نیمه دوم سال تعداد خودروهایی که غیرمجاز وارد طرح ترافیک می‌شوند، نسبت به نیمه اول سال کاهش می‌یابد.

به گزارش شهرآرامحله، علی‌پور در این موضوع با ارائه آماری گفت: بر اساس همین آمار در نیمه ابتدایی سال ۸ تا ۱۰ هزار خودرو در طرح ترافیک غیرمجاز تردد داشته‌اند که در نیمه دوم کاهش پیدا کرده و بین ۴ تا ۶ هزار متغیر است. طبق گفته‌های او از این تعداد تردد غیرمجاز در طرح ترافیک اطراف حرم مطهر در نیمه ابتدایی سال ۵۰ تا ۵۵ درصد مربوط به پلاک خودروهای دیگر شهرهاست که نشان می‌دهد بیشترین تعداد ورودی غیرمجاز به طرح ترافیک در فصل بهار و تابستان مربوط به خودروهای زائران است. همچنین در نیمه دوم سال نه تنها تعداد خودروهایی که غیرمجاز در طرح ترافیک تردد می‌کنند، کاهش پیدا می‌کند، بلکه نسبت زائران به مشهدی‌ها هم برعکس می‌شود. رئیس پلیس راهور مشهد در پایان میزان جریمه روزانه هر خودرو برای تردد غیرمجاز در طرح ترافیک هسته مرکزی مشهد را ۲۰ هزار تومان اعلام کرد.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیامهای ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهر و ندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شمار هتماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ و پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ یا مادر میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

انتقاد از نحوه برفریبی

سیدی: کارگران برفریبی در حاشیه خیابان طبرسی (حدفاصل میدان طبرسی تا تقاطع شهید گمنام) برف‌ها را از داخل باغچه‌ها جمع می‌کنند و داخل سواررو می‌ریزند. باتوجه به یخ‌زدن و لغزنده بودن محل به این موضوع انتقاد داریم و درخواستمان بر تغییر رویکرد برفریبی در بارش‌های آینده است.

پاسخ: ۱۳۷: تذکر داده شد.

نشست آسفالت

تکمیلی: در ورودی خیابان هفتم آیت‌ا... بهجت آسفالت نوار حفاری نشست کرده است. از شهرداری درخواست مرمت قبل از وقوع اتفاق ناگوار را داریم.

پاسخ: ۱۳۷: محل حفاری مربوط به شرکت آب‌وفاضلاب است که پیگیری لازم برای مرمت محل انجام خواهد شد.

آب‌گرفتگی معابر

مشهدی: در نوغان ۴ (تبل‌المحله) داخل کوچه صاحبکار با آب‌شدن برف آب‌گرفتگی ایجاد شده است. لطفاً رسیدگی کنید.

پاسخ: ۱۳۷: مشکل حل شد.



مردم

آه از غمی که تازه شود با غمی دیگر

(نمایی از برگزاری مراسم یادبود جانبختگان سانحه هوایی تهران در حرم مطهر رضوی)



۱۴

دریافتی